

رئیس اداره عفاف، حجاب و خانواده ستاد امر به‌معروف و نهی ازمنکر استان تهران در گفت‌وگو با «جوان»:

تناقض رفتار و گفتار برخی مسئولان به سر درگمی مسئله حجاب دامن زده است



ریشه یابی دقیق چالش امروز مسئله‌سازی از حجاب امری است که می‌تواند مسیر را برای حل مسئله هموار تر کند و موجب شود بتوانیم تصمیم درست‌تری در این رابطه اتخاذ کنیم. بر این اساس بخشی از بدحجابی‌هایی که در سطح جامعه شاهد آن هستیم، افراد مغرض هستند که بر مبنای طرح‌های بر نامهربزی‌شده و هدفمند به منظور خط‌شکنی در حوزه حجاب با این شکل و شمایل بیرون می‌آیند تا فضا را عادی‌سازی کنند، اما بخش قابل توجهی از بی‌حجابان به‌دحجابیان به نوعی خودشان آسیب‌دیده تلقی می‌شوند و برای مواجهه با این گروه باید سیاست‌ها و راهکارهای خاص خودشان را در نظر گرفت. در واقع نمی‌توان برای مواجهه با همه این گروه‌ها نسخه واحدی بیچید. آسیب‌شناسی چالش مسئله‌شدن حجاب در جامعه و طرز مهری و روش‌ها باید دیده و راهکارهای کنترل گذشته تحت عنوان اقتصاد با حجاب ارتباط دارد، منتشر شد.

■ ■ ■

خانم طالبی، مادر جامعه‌های زندگی می‌کنیم که حجاب و بدحجاب بودن در نظر برای ما یک ارزش به حساب می‌آید، اما در عمل گاهی اوقات شاهد آن هستیم که عناصر و مؤلفه‌های اجتماعی در سطح جامعه بر مسئله حجاب تأکید لازم را ندارند، به گونه‌ای که نوجوان و جوان ما گاهی با یک دوگانه مواجه و بر مسیر خود سردگم می‌شود. ارزیابی شما از عملکرد کلی جامعه ما در حوزه حجاب چیست؟

شما یک نوجوان ۴-۱۳ساله در دوران گذار از زندگی فردی به زندگی اجتماعی را در نظر بگیرید که به طور طبیعی و ذاتی علاقه‌مند است به کسب تأیید اجتماعی که نیاز ذاتی همه ماست. وقتی این فرزند ما می‌خواهد وارد اجتماع شود، جامعه چگونه برایش بسترسازی کند تا در صورت سالم اجتماع پذیری را تجربه کند؟ در این مورد حتی می‌توانیم برگردیم به عقب‌تر، یعنی دوران کودکی. قاعدتاً وقتی یک فرد از دوران کودکی با جامعه‌ای روبه‌رو می‌شود که مظاهر تن‌نمایی و جلوه‌گری و بی‌حجابی را تشویق می‌کند و در این جامعه مداوماً مهر تأیید اجتماعی بر پوشش‌های خاص و اغلب ناهنجار ثبت می‌شود، معلوم است حتی با بهترین شاکله تربیتی، رفتاری و نتیجه‌ای در حد حدود حجاب، سست خواهد شد یا حداقل سعی می‌کند به نحوی برای کنترل فشار اجتماعی، خود را به نحوی دیگر بیاریابد. بگذارید صراحتاً عنوان کنم که ما مدعی هستیم جامعه‌مان را به گونه‌ای مدیریت می‌کنیم که این مدیریت مؤید جریان عفاف و حجاب است، اما در عمل اینگونه نیست! کافی است همین الان مثلاً به مراکز تفریحی برویم یا مراکز ورزشی یا مراکز خرید و مال‌های تجاری و جاهای مختلف، حال به این سؤال پاسخ دهیم که در چنین مکان‌هایی چگونه افرادی مداوماً حضور دارند و برخورد بهتری بسا آنها صورت می‌گیرد؟ این شرایط در فضای تولیدات هنری و

رسانه‌ای ما و همچنین فضای مجازی در دسترس افراد جامعه با شدت بیشتر جاری و ساری است.

یعنی شما می‌گویید افراد فاقد پوشش مناسب از تأیید اجتماعی بیشتری برخوردارند؟

واقعیت این است که افرادی که پوشش مناسبی ندارند، بیشتر مورد توجه و تأیید قرار می‌گیرند و جالب آنکه امروزه به بهانه وحدت‌کلمه و رد کردن گسست‌های اجتماعی به نوعی بیشتر بر این معنا دامن می‌زنیم. مثال کوچک آن مصاحبه‌های تلویزیونی پر تکرار از زنان غیرمحببه است، غافل از آنکه در حال ارسال پیام قوی‌تر عدم تأیید اجتماعی حجاب شرعی برای جامعه هستیم و این مقوله چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد و واقعیت مشاهده‌ای همه ماست. وقتی ما این فضای خودساخته را نمی‌بینیم و سعی می‌کنیم صورت‌مسئله را پاک کنیم، نوجوان و جوان ما را در موقعیتی قرار می‌دهیم که در تناقضات آشکار بین عقیده و عرف جاری، تشخیص درست از غلط را کم می‌کنند و دچار تشوش مداوم ذهنی، سرخوردگی و عصبانیت ناشی از آن استانداردهای دوگانه عمل و عقیده در نظام حاکمیتی می‌شوند. از سویی دیگر نمی‌شود انکار کرد اهرم فشار مرتبط با جریان ضدفرهنگی در قضیه اجتماعی حجاب دارای قوت بیشتری از اهرم تشویق مرتبط با جریان عفاف و حجاب است. حال اگر این دریافت را به فضای مجازی افسارگسیخته که مداوماً بمباران فکری صورت می‌دهد و مخاطبش را به سمت خودارایی، مای‌گرایی و لذت‌جویی سوق می‌دهد، اضافه کنیم، متوجه نظام تربیتی عمیق و مغفولی می‌شویم که سلامت جامعه ما را به سمت فنا می‌کشاند. کافی است یک بار وارد فضای اینستاگرام شویم تا اذعان کنیم این فضا تبدیل به سکوی تیرج شده است و اساساً این گزاره پذیرفته شده اینستاگرام است که «در این فضا باید رفتارهای ناهنجار داشته باشی تا بیشتر دیده شوی» و این فرهنگ پذیرفته‌شده به قدری نفوذ عمیق داشته است که شما نمی‌توانید به جامعه مخاطبش بقبولابید که در معرض دید گذاشتن فلان غذا یا فلان سبک زندگی تجملاتی، عملی غلط و ضدفرهنگ انسانی است و در عین حال شما نمی‌توانید به فرزندتان بگویید رفتارهای سالم بیشتری باش و این رفتار سالم و نتیجه‌ای است که بسیار خوب و لذتبخش است، بنابراین برای حل مسئله باید از خودمان بپرسیم که ما در نظام فرهنگی‌مان چه الگوسازی جذابی داریم تا افراد را از این فرهنگ‌سازی غلط جدا کنیم و به سمت عدم تیرج بیآوریم؟ جوان و نوجوان ما علاقه‌مند به دیده‌شدن است. اما ما چگونه و کجا فضای سالم را برای دیده‌شدن نوجوانان، جوانان و حتی میانسالان یا حتی کودکان مان تعریف کرده‌ایم؟ نه در نظام تربیت خانوادگی نه در آموزش‌وپروم و نه در آموزش عالی چنین روندی در برنامه‌ریزی‌های‌مان به معنای عملی آن پیش‌بینی نکرده‌ایم و صرفاً در برخی آسپ‌هایی که اکنون با آنها دست و پنجه نرم می‌کنیم، دقیقاً از عدم‌فهم صحیح این مسئله ناشی می‌شود.

در بحث تحمیل چالش مسئله‌سازی حجاب از سوی دشمن‌چطور، اینکه برخی از افراد بی‌حجاب یا بدحجاب تعمداً به بدحجابی خط‌شکنی و ترویج بدحجابی هستند و برخی دیگر هم در جریانات اجتماعی دچار این‌انحراف می‌شوند. بر خورد ما با هر یک‌از



یکی از مهم‌ترین دلایل سست‌گفتاری در کشور استناداردهای دوگانه گفتاری و رفتاری مسئولان است که علاوه بر اینکه سردرم را دچار سردرگمی می‌کند، اقتدار نظام را نیز زیر سؤال می‌برد و سهم قابل توجه مسئله کشف حجاب، پروتاد رفتار برخی از مسئولان در مد‌پرستد نظامات اداری ماست که برخلاف مبانی عملی می‌کنند، در حالی که سخنرانی و شعارهای‌شان منطبق با مبانی است

ایجاد نکرده بلکه به نحوی به تقویت رفتار آنها به عنوان مبارزان مدنی دامن زده است. از سوی دیگر نسخه مرتبط با فحشر اول را برای دو فشر بعدی می‌پیچیم ابر برخی از افراد، مابه‌ازای دریافت حقوق ناهنجاری‌های اجتماعی را ترویج می‌کنند، اما برخی تحت تأثیر فضای غلط در جریان جامعه‌پذیری به این شکل و با این پوشش بدون تمییز و تربیتی که در آن نیازمنداست، گویا داریم عنوان شد که در این جنگ ترکیبی نمی‌شود با همه این افراد به یک صورت برخورد کرد. قاعدتاً برای سطح اول که سامان یافته عمل می‌کنند و تعدادشان اندک است، باید برخورد سخت‌فهری و قانونی صورت پذیرد و علاوه بر بازپروری، اقدامات تأمینی بعدی برای عدم امکان بازگشت این افراد به عرصه فحش‌شکنی مدنظر قرار گیرد. که متأسفانه شاهدیم در اغلب موارد با این افراد کمترین و نرم‌ترین برخورد صورت می‌پذیرد ادر خصوص نوع برخورد با فحشر یا سطح دوم نیازمند برخورد سلیبی نرم علاوه بر اقدامات ایجابی سنگین را رویکرد تربیتی همراه با تمییز و اقعاع هستیم. زیرا او دچار خدشه در قوه شناختی شده است و در برخورد با سطح یا فحشر سوم که به ازگراه دچار اجبار برای پوشش ناهنجار شده‌اند، نیازمند فرایند ایجابی و تربیتی گسترده با مدنظر قرار دادن محیط زندگی‌شان هستیم که علاوه بر شخص بر خانواده و دایره از تباط اجتماعی او نیز اثر گذاری داشته باشیم، اما متأسفانه اغلب در سطح جامعه به صورت کاملاً برعکس عمل کرده‌ایم؛ به جای برخورد با بدحجابی‌های سازمان یافته و قانونمدار ساختن آنها که فحش‌شکنی، ترویج و اشاعه فحشا نداشته باشند، به هراس از فالوورها و جامعه مخاطب وسیعی که دارند، با اینان برخورد مناسبی نکرده‌ایم! و در صورت برخورد هم نوع اعمال قانون به گونه‌ای بوده که نه تنها بازدارندگی

در واقع به نظر می‌رسد ما تشخیصی را که اسلام برای از زنان قائل است، نتوانسته‌ایم به آنها منتقل کنیم و این ناآگاهی موجب شده است گاهی اوقات پذیرش احکام دینی برای آنها جذابیت لازم را نداشته باشد!

شاید کمتر کسی باور کند که وقتی با این افراد درباره زندگی حضرت زهرا(س) صحبت می‌کنیم، ابتدائاً با نگاه کاملاً ناپاورانه و تقلیل به سخنان گوش می‌دهند، اما وقتی حقایق نگفته و کمتر بیان‌شده از ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی حضور در عرصه نظامی زندگی ایشان را می‌شنوند، مشتاقانه جذب می‌شوند و به بیشتر دانستن خود می‌دهند. وقتی با فحشر دوم با خلق نیکو و به لحاظ عاطفی ارتباط می‌گیریم و مسائل خلق را به صورت مشاوره‌ای با شما مطرح می‌کنند، متوجه می‌شویم برخی از اینها اگر در محیط زندگی و تربیت امثال بنده تعریف می‌شدند با توجه به فطرت پاک‌ی که دارند، چه بسا به مراتب بهتر از ما بودند و واقع‌بینانه اگر ما در محیط رشد آنها تربیت می‌شدیم، چه بسا وضعیت‌ی به مراتب بدتر را بروز می‌دادیم! بر اساس تجربه‌ی مشاهده‌ای عرض می‌کنم، برخی از این فطرت‌ها به قدری پاک سالم و سلیم هستند که با یک ارتباط عاطفی و سالم بدون نگاه متکبرانه می‌توانند به سرعت قدم در رشد معنوی بگذارند. متأسفانه برخی از افراد با آنچه راهکاری علاوه بر اینکه خودش در جریان فعالیت هستند و این بانوان با پوشش نامناسب ایادی شیطان! این برخورد متکبرانه و به اصطلاح از بالا به پایین که گاهی رخ می‌دهد، شاید در منظر اول چندان مهم به نظر نرسد، اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که علیه‌گفتمان انقلاب اسلامی تبلیغ منفی‌ای است که باعث می‌شود ارتباط‌گیری بین اقشار مذهبی و افراد آسیب‌دیده به کمترین حد اثر خود برسد. برای رفع معضل بی‌حجابی باید نسبت به این معضل نیز چاره اندیشید. در این زمینه می‌توان با روش‌های جدید امر به‌معروف و نهی ازمنکر، با کلام نرم و مادرانه ارتباط صورت پذیرد و باید برای شنیدن نقدها و دردهای

زنان

سرویس اجتماعی ۶۰-۸۵۳۳

ف

ما تخصصی را که اسلام برای زنان قائل است، نتوانسته‌ایم به آنها منتقل کنیم و این ناآگاهی موجب شده است گاهی اوقات پذیرش احکام دینی برای آنها جذابیت لازم را نداشته باشد! شاید کمتر کسی باور کند که وقتی با این افراد درباره زندگی حضرت زهرا(س) صحبت می‌کنیم، ابتدائاً با نگاه کاملاً ناپاورانه و تقلیل به سخنانت گوش می‌دهند، اما وقتی حقایق نا گفته و کمتر بیان شده از ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی حضور در عرصه نظامی زندگی ایشان را می‌شنوند، مشتاقانه جذب می‌شوند و به بیشتر دانستن علاقه نشان می‌دهند

جاری در زندگی‌شان گوش شنوایی داشت و با پذیرش کم‌کاری در برخی حوزه‌راه پذیرش مسیر صحیح را به لحاظ روانی برای آنها باز کنیم.

و چه باید کرد؟ آیا هنوز هم می‌توان اوضاع حجاب و عفاف در جامعه را مدیریت کرد؟
ماجرا قابل حل‌شدن است، اگر ما بتوانیم با رویکرد پیش‌گفته به قضیه ورود کنیم و این نکته بسیار مهم را که امام خامنه‌ای سنال ۱۳۹۸ به آن اشاره داشتند، مدنظر داشته باشیم که مرتبط است با «انسان علی مدین ملوگیم» قطعاً این معضل حل‌شدنی است. ایشان فرمودند: «در این زمینه باید در درجه اول دستگاه‌های دولتی، حکومتی و مدیران آنها مراقبت کنند تا بر اساس قانون عمل شود.» از نظر بنده حضرت آقا ناظر به مهم‌ترین دلیل گسترش بی‌حجابی این امر را صادر می‌دانم. یکی از مهم‌ترین دلایل سست‌حجابی در کشور استنادردهای دوگانه گفتاری و رفتاری مسئولان است که علاوه بر اینکه مردم را دچار سردرگمی می‌کند، اقتدار نظام را نیز زیر سؤال می‌برد و سهم قابل توجه مسئله کشف حجاب، پروتاد رفتار برخی از مسئولان در مدیریت نظامات اداری ماست که برخلاف مبانی عمل می‌کنند، در حالی که سخنرانی و شعارهای‌شان منطبق با مبانی است. این رفتار و گفتار متناقض باید اصلاح شود که مردم بدانند وحدت رویه‌ای از صدر تا ذیل نظام برای اجرای حدود و قوانین الهی وجود دارد و هر کس بر مبنای سلیقه خود نمی‌تواند رفتاری مخالف عقاید حاکم بر عرف، فرهنگ و قانون را در سطح اجتماع رقم بزند. نکته بسیار خطرناک در این زمینه آن است که عدم عمل به قانون از سوی مدیران و مسئولان رسمی کشور، پیام منفی با آثار مخرب تربیتی را در پی دارد که هر گونه اعمال قانون در هر سطحی را زیر سؤال می‌برد، بنابراین لازم است همانگونه که رهبر معظم انقلاب بیان داشتند در درجه اول دستگاه‌های دولتی، حکومتی و مدیران آنها مراقبت کنند تا بر اساس قانون عمل شود.

از سویی دیگر از جنبه اقدام همانگونه که ذکر شد لازم است مسئولان امر به این فهم صحیح از موضوع برسند که در مسئله سیاسی نگاه تک‌ساحتی با بر خورد صرف سلیبی با ریجابی از نوع فرهنگی پاسخگو نیست و همانگونه که امام جامعه مطرح فرمودند، باید ملاحظات جانبی آن در نظر گرفته شود و همه مؤلفه‌های مرتبط با یک مسئله سیاسی از بعد امنیتی تا مسائل فرهنگی مدنظر قرار گیرد. اعمال قانون در کنار رویکرد مراقبتی و ایجابی به صورت هم‌زمان با سطوح متناسب با اقدام افراد متخلف لازم است تا رفع معضل صورت پذیرد. دریافت پیش‌گفته و در همین راستا در اداره عفاف، حجاب و خانواده ستاد امر به‌معروف و نهی ازمنکر استان تهران، زیست‌بومی تحت عنوان «غیرت، حیا، عفت، حجاب» را بر اساس تقویت فرهنگ عفاف و حجاب در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی طراحی و در دست اجرا دارد. در این زیست‌بوم مؤلفه‌های مرتبط با ارتقای فرهنگ عفاف و حجاب در ابعاد شخصی خانوادگی و فرهنگی احصا شده و برنامه‌ها و طرح‌های یونیتی با رویکرد علمی ناظر به هر سه حوزه در دست اجراست. اقدامات عملی طراحی‌شده ذیل این زیست‌بوم در دو عرصه مطالبه‌گری از مسئولان و فعال‌سازی مردم در سسه بعد ایجابی، سلسلی و مراقبتی صورت می‌پذیرد. عرصه مطالبه‌گری از مسئولان و فعال‌سازی مردم در سسه بعد ایجابی، سلسلی و مراقبتی صورت می‌پذیرد. فعال‌سازی مردم در عرصه امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر در این مدل ناظر به دفع‌غفتمندی افراد است. به عنوان مثال خامنی که دغدغه موضوع اقتصادی‌اش را دارد، چگونه و با چه راهکاری علاوه بر اینکه خودش در جریان فعالیت اقتصادی‌اش رفتار عفیغانه داشته باشد، مروج عفاف و حجاب از منظر نظام اقتصادی تحت مدیریتش باشد. در این راستا پشتیبانی‌ای که از سمت مسئولان و نظام ساختاری کشور می‌تواند رقم بخورد که او در این مسیر با این شاکله موفق و الگو شود، پیگیری می‌شود. سایر افرادی که در جریان اجتماعی و سیاسی فعالیت دارند نیز به همین شکل با مراکز تعریف‌شده ذیل زیست‌بوم، مرتبط خواهند شد و از آموزش تا تبلیغ، تبیین، الگوپردازی و تربیت، در مسیر ارتقای فرهنگ عفاف و حجاب همراه با مسئولان امر و با هم‌افزایی، فعالیت خواهند داشت.



وینترین

زن در گذر زمان

کتاب «زن در گذر زمان» نوشته سیدعلی گرامیان، جایگاه زنان در طول تاریخ جهان و دلایل عقب‌ماندن و پیشرفت‌نکردن آنان در جوامع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بنا به فرموده قرآن، زن و مرد از یک جنس و تبار هستند، ملاک برتری نزد خداوند تقوا، ایمان و عمل صالح است نه زن یا مرد بودن، اما زنان در طول تاریخ و در میان اقوام و ملل مختلف، بسیار مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند.

مسئله فمینیسم، شورش و تقابل افراطی و خارج از قاعده زنان در برابر ظلم و ستم مردان است و این حرکت افراطی به نفع زنان نیست بلکه هر یک از زن و مرد لازم است تفاوت‌های طبیعی خود را شناخته و وظایف مخصوص خود را به عهده بگیرند و از یکدیگر در مقابل داشته باشند تا به زندگی موفق و آرامش‌بخش متوال شوند.

عرب در مواد احیای حقوق و آزادی زن قدم‌های مثبتی برداشته اما در کنار آن زن را مورد استعمار و بهره‌کشی قرار داده است؛ بهره‌کشی‌های کاری در کارخانه‌ها و معاملاتی در تجارت‌خانه‌ها و بهره‌برداری جنسی در مجلس‌آرایی‌های کاباره‌ها و این خلاف شخصیت حقیقی زن است.

اگرچه در جامعه اسلامی، باز هم کم‌وبیش زن در محدودیت و ستم بوده، اما در فرصت‌های پیش‌آمده چه در صدر اسلام و چه در انقلاب، زن شخصیت و لیاقت خود را نشان داده است. زن سامان‌دهنده زندگی و مایه آرامش و سکون خانواده است.

در بخشی از کتاب زن در گذر زمان می‌خوانیم:

ایا زن علاوه بر فرزندآوری و تربیت فرزند و خانه‌داری، مجاز است در مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز وارد شود و مسئولیت بپذیرد؟ البته برای زن در اولویت این برای زن هم طبیعی‌تر، راحت‌تر و هم برای جامعه مؤثرتر و مفیدتر است. زن وقتی دسته‌گلی به نام فرزند در آغوش خانواده می‌گذارد و فرزند سالم و صالح تربیت و تقدیم جامعه می‌کند، در حقیقت به باروری، نوشدن و سلامت جامعه کمک کرده است و هیچ چیز در این زمینه جایگزین وظیفه‌ی زن نمی‌شود. ریشه اصل همه خوبی‌ها از خانواده آغاز می‌شود. این سخن معروف است، هر کس هرچه دارد، از بند قنداشش دارد و این بند قنداق باز کردن و بستنش (تربیتش) در دست مادر است، البته زن توقع دارد کارش در خانه دیده و قدر خانه‌داری‌اش شناخته شود.

گزیده

نام پدر و مادر

در بار کد کارت ملی

ثبت اسم مادر در کارت ملی موضوعی قدیمی است که حالا یک بار دیگر مطرح شده است.

در سنال‌های اخیر که کارت ملی به عنوان اصلی‌ترین سند شناسایی همه افراد بالای ۱۵ سال به شمار می‌رود، هویت مادر در این سند مشخص نیست و نامی از مادر در کارت ملی وارد درج نمی‌شود.

معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری دولت قبلی برای نخستین بار این مسئله را مطرح کرد که نام مادر هم با تدوین آیین‌نامه‌ی در کارت ملی درج شود.

بعد از دولت دوازده‌م این ماجرا می‌رفت فراموش شود تا اینکه دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. حالا انبسیه خزعلی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده درباره اینکه چرا اسم پدر و مادر از کارت ملی حذف و چه چیزی جایگزین آن می‌شود، می‌گوید: «اسم پدر و مادر در ظاهر حذف شده است ولی در واقع هم اسم پدر و مادر هم سایر مشخصات وجود دارد.»

وی درباره طرح دوباره موضوع درج نام مادر در کارت ملی اینگونه توضیح می‌دهد: «در جلسه‌ای که دو سال پیش با رئیس‌جمهور داشتیم، برخی از بانوان درخواست درج نام مادر روی کارت ملی و در کنار نام پدر را مطرح کردند و رئیس‌جمهور هم از این مطلب استقبال کردند و ما هم پیگیر مطلب در کمیسیون‌های مختلف دولت شدیم.» به گفته وی، در نهایت در کمیسیون اصلی، نماینده ثبت احوال اعلام کرد قرار است کارت‌ها تغییر کند و نام کارت‌های جدید نام پدر و مادر نخواهد بود، بنابراین مطلب به دلیل عدم‌موضوعیت از دستور خارج شد.

خزعلی در پاسخ به این پرسش که چرا اسم پدر و مادر حذف می‌شود و چه چیزی جایگزین آن می‌شود، تأکید می‌کند: «در ظاهر حذف شده است، ولی در واقع هم اسم پدر و مادر و هم سایر مشخصات وجود دارد.»

به گفته معاون رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران است که اطلاعات حداقلی روی کارت آورده شود و به جای آن بارکد‌ی روی کارت آورده شود که مشخصات شناسنامه‌ای فرد صاحب کارت از جمله مشخصات پدر و مادر او از طریق بارکد قابل رویت است.